

شعور معنوی و وجدان اخلاقی

نادرست، نسبت به برپایی عدالت قیام می‌کنند. بدین ترتیب، تحقق عدالت راستین جز از طریق اخلاق و معنویت میسر نخواهد گشت. در واقع بشر ثمره‌ی پایدار پابندی به موازین اخلاقی و گرایش درست به معنویت ناب را در تحقق عدالت خواهد چید. از آیه لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ... (حدید: ۲۵) چنین برداشت می‌شود که تأمین و تنظیم اخلاق و معنویت رسالت پیامبران و اولیاء الهی است، در صورتی که قیام برای قسط و عدالت نقش مهمی است که مردم در جایگاه پیروان صدیق آن بزرگواران باید بر عهده بگیرند و پیامبران را در تحقق بخشیدن به آرمان‌های مقدس الهی‌شان یاری رسانند.

بیانیه‌ی گام دوم به موازات سفارش به اموری چون علم‌آموزی و پژوهش، رونق بخشیدن به اقتصاد، مبارزه با فساد، صیانت از عزت ملی، مرزبندی با دشمن، انتخاب سبک زندگی اسلامی، بر اخلاق و معنویت و عدالت تأکید می‌ورزد. مقام معظم رهبری در این بیانیه، معنویت را به مفهوم «برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه» و اخلاق را «به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو» برشمرده، می‌فرماید: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت.» ایشان تأمین زمینه‌ها و شرایط برای ایجاد معنویت و اخلاق را یکی از وظایف اصلی حکومت‌ها و دولت‌ها دانسته، بیان می‌دارند:

اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها، مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

با توجه به این بخش از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، سعی وافر این شماری فرهنگ پویا بر آن قرار گرفت تا با تکیه بر چنین رهنمودهایی، نسبت به بسط اندیشه و قلم در زمینه‌ی اخلاق و معنویت همت گمارد. با تشکر از همه‌ی بزرگوارانی که در این راستا یاری‌رسان فرهنگ پویا شده‌اند، این شماره نیز تقدیم می‌گردد.

حکومت و زمامداری هنگامی زمینه‌ساز تمدن راستین خواهد بود که بیش از همه بر سه پایه‌ی اخلاق، معنویت و عدالت استوار گردیده باشد. به عبارتی، حکومت بدون اخلاق، به ولنگاری و فسق و مفسده‌انگیزی کشانده خواهد شد؛ حکومت بدون معنویت، کفر و شرک و استکبار را در پی خواهد داشت و حکومت بدون عدالت، به تبعیض و ستم و استبداد خواهد انجامید. در میان همه‌ی قوانینی که بشر تاکنون وضع و اجرا کرده است این تنها قوانین الهی و حیانی هستند که از قابلیت‌های لازم برای تضمین و تحقق هر سه عنصر اخلاق و معنویت و عدالت برخوردارند و به پشتوانه‌ی این قابلیت‌ها امر حکومت زمینه‌ساز تمدن را سامان می‌بخشند.

در هر صورت، قرآن عمل به مفاد قوانین و حیانی را که از جانب خداوند متعال نازل شده‌اند الزامی دانسته، کسانی را که بر اساس حکم الهی داوری و اقدام نمی‌کنند، در حوزه‌ی باورهای اعتقادی و دینی کافر^۱ و در برخورد با دیگران ظالم^۲ و در قلمرو رفتارهای شخصی و فردی فاسق^۳ می‌خواند. ظالمان و کافران و فاسقان کسانی هستند که بویی از اخلاق و معنویت و عدالت نبرده‌اند. از این رو، با وجود و سلطه‌ی حاکمان فاسق و کافر و ستم‌گر و چنان حکومت‌های ناروا، هرگز نمی‌شود خیال و اندیشه‌ی رسیدن به تمدن عظیم اسلامی در سر پروراند. در نگاه نخست، کسانی مورد عتاب و سرزنش قرآن در این سه مورد از آیات قرار دارند که از تمکن و قدرت و توانایی برای اجرای احکام الهی برخوردار هستند، اما بر این اساس اقدام نمی‌کنند. فرمانروایان و حاکمان مسلمان در جوامع اسلامی از جمله روشن‌ترین مصداق از مصادیق مورد عتاب این آیات به شمار می‌روند که اگر به احکام الهی تن ندهند و بر خلاف آن احکام رفتار و یا داوری کنند، به زودی گرفتار ستم‌گری و کفرییشگی و فسق و فجور خواهند شد.

پیرو آموزه‌های قرآنی، اخلاق و معنویت از آموزه‌های دینی و حیانی سرچشمه می‌گیرند تا بنا به اقتضانات طبیعی خود، زمینه را برای تحقق و اجراء و بسط عدالت فراهم آورند. قرآن برای این دست از آموزه‌ها در رابطه با برپایی قسط و عدل ارزش بسزایی قائل است به گونه‌ای که تحقق قسط و عدالت را رهین همین آموزه‌ها دانسته، این آموزه‌ها را علت زمینه‌ساز عدالت برشمرده است.^۴ از این منظر، مخاطب اصلی قرآن مردمی هستند که با پیروی از مکتب و آیین پیامبران و تمسک جستن به کتب آسمانی و متخلق شدن به اخلاق الهی و ملتزم گشتن به الزامات معنوی ناب و به کار گرفتن میزان و معیاری روشن برای تشخیص حق از باطل و درست از

پی نوشتها

۱. إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّهْبَانِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ بِمَا اسْتَحْفَضُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوْنَ النَّاسَ وَخَشَوْنَ اللَّهَ وَلَا تَتَّبِعُوا آيَاتِي تَمَنَّا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (مائده: ۴۴).
 ۲. وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأَذْنَ بِالْأَذَنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (مائده: ۴۵).
 ۳. وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِتِّجَالِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (مائده: ۴۷).
 ۴. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ... (حديد: ۲۵)
- ما به تحقیق پیامبران خود را با (انواع) روشنگریها (به سوی مردم) فرستادیم و به همراهشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم برای تحقق قسط به پا خیزند.

